

دعای دوتابعیتی ها دارای تابعیت مشابه با کشور میزبان سرمایه در داوری های سرمایه

گذاری بین المللی

چکیده

سرمایه گذاری خارجی عاملی مهم در توسعه اقتصادی کشورهای مختلف جهان، بخصوص کشورهای در حال توسعه محسوب می شود و از این جهت کشورهای مختلف با انعقاد معاهدات دوجانبه با کشورهای دیگر، سعی در فراهم نمودن شرایط مطلوبتر سرمایه گذاری، برای اتباع کشور طرف معاهده دارند. در این خصوص از آنجایی که سرمایه گذاران معمولاً به دادگاه های داخلی کشورهای میزبان سرمایه خوش بین نیستند، و همواره احتمال گیری آنها به نفع کشورهای میزبان سرمایه را می دهند، معمولاً رجوع به نهاد داوری بین المللی به عنوان مرجع بی طرف حل اختلافات، در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری در نظر گرفته می شود. در این رابطه مسئله طرح دعوا از سوی اشخاص دوتابعیتی دارای تابعیت واحد با کشور میزبان سرمایه در دیوان های داوری سرمایه گذاری بین المللی، همواره یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در داوریهای سرمایه گذاری بوده است. در این خصوص هر چند دیوان داوری ایکسید با توجه به حکم صریح مندرج در بند ۲۵ (الف) این کنوانسیون، از پذیرش دعوی اشخاص مذکور خودداری نموده اند، با این وجود سایر مراجع داوری بسته به شرایط پیش بینی شده در معاهده دوجانبه سرمایه گذاری مربوطه و برخی عوامل دیگر همانند تابعیت غالب و مؤثر، موضع متفاوتی اتخاذ نموده اند. یافته های این تحقیق که با روش کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری و از طریق مذاقه در آراء دوری انجام شده، مؤید آن است که هر چند دیوان داوری ایکسید تأکید بر عدم پذیرش ادعاهای مطرح شده از سوی اشخاص دوتابعیتی بر علیه کشور میزبان سرمایه؛ در فرض داشتن تابعیت یکسان با کشور میزبان سرمایه به عنوان خواننده پرونده را دارند، با این وجود سایر مراجع داوری تشکیل شده تحت قواعد داوری آنسیترال از چنین استثنایی پیروی ننموده اند و بسته به شرایط و مقتضیات هر پرونده اتخاذ تصمیم نموده اند. بدین ترتیب، اختلاف نظر موجود در میان نهادهای داوری، همچنان بر اهمیت و پیچیدگی مسئله دوتابعیتی ها در دعوی سرمایه گذاری بین المللی می افزاید.

کلمات کلیدی: ایکسید، آنسیترال، دوتابعیتی ها، معاهده سرمایه گذاری دوجانبه، کشور میزبان سرمایه.

Lawsuit by Dual Nationals Sharing the Nationality of the Host State in International Investment Arbitration

Abstract

Foreign investment is widely recognized as one of the most influential drivers of economic growth and sustainable development, particularly in developing countries that often face capital shortages. Consequently, many states, through the negotiation and conclusion of bilateral investment treaties (BITs), endeavor to create more favorable, predictable, and secure conditions for investors of the contracting parties. These treaties generally aim not only to protect the substantive rights of investors but also to provide reliable dispute settlement mechanisms. In this regard, because foreign investors are frequently reluctant to rely on domestic courts of host states—perceiving them as potentially biased in favor of the host government—recourse to international arbitration as an impartial and neutral forum has become a fundamental feature of BITs. Within this framework, one of the most controversial issues has been the admissibility of claims submitted by dual nationals who simultaneously hold the nationality of the host state. The question of whether such individuals may appear as claimants in international investment arbitration has long generated debate. ICSID tribunals, in reliance on the explicit rule contained in Article 25(2)(a) of the ICSID Convention, have consistently declined jurisdiction over such claims, thereby excluding them from access to ICSID arbitration. In contrast, other arbitral forums have not followed this rigid exclusion. Depending on the language of the relevant treaty, as well as other considerations such as the doctrine of dominant and

effective nationality, they have often taken a more flexible and case-specific approach. The findings of this study, based on a library-oriented method and a careful examination of arbitral practice, confirm that while ICSID tribunals have strictly rejected claims by dual nationals sharing nationality with the host state, other arbitral institutions, including tribunals constituted under the UNCITRAL Rules, have rendered decisions tailored to the circumstances of each dispute. This divergence of practice highlights the complexity, sensitivity, and continuing importance of the dual nationality issue in the broader framework of international investment arbitration.

Keywords: ICSID, UNCITRAL, dual nationals, bilateral investment treaty (BIT), host state.

مقدمه:

با توسعه فزاینده تجارت بین‌المللی، اختلافات و مناقشه‌ها میان طرفهای تجاری نیز افزایش یافته است (پیلوار و ساری، ۱۴۰۳: ۸۳). در این خصوص امروزه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی تأثیر بسزایی بر توسعه کشورهای جهان دارد و از این جهت هر کشوری تمام تلاش خود را برای جذب سرمایه‌ها از سراسر جهان به کار می‌گیرد (قلعه‌شاخانی، ۱۴۰۱: ۱۶۷). آدام اسمیت، اقتصاددان شهیر و پیشتاز مکتب کلاسیک، از تمرکز سرمایه (سرمایه‌گذاری) به مثابه شرط لازم برای توسعه و رشد اقتصادی یاد می‌کند. بدین معنی که کشورها، برای دستیابی به رشد اقتصادی مناسب، ناگزیر به انباشت و تجهیز سرمایه هستند (السان و تاجی، ۱۴۰۲: ۱۱۵). کنشگران اصلی حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاران؛ کشور میزبان سرمایه، کشور متبوع سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذار خارجی هستند (باغبان و یکتا، ۱۴۰۰: ۲۹۴). در این خصوص در مدیریت اختلافات بین سرمایه‌گذاران خارجی با دولتهای میزبان سرمایه، نهاد داوری با توجه به نگرانی‌های مرتبط با مراجعه به دادگاه‌های داخلی یک کشور خارجی (کشور میزبان سرمایه) نقشی تعیین‌کننده دارد. امروزه در واقع انتخاب داوری به عنوان رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش جهت حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، جهت توسعه سرمایه‌گذاری بین‌المللی محسوب می‌شود (فتاحی بافقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۱) و از این جهت سازوکار کنونی حاکم بر حل و فصل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار، بر داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی (اعم از داوری موردی و یا نهادی)، بنا شده است (میرمحمدی و خمسی زاده، ۱۳۹۹: ۲۹۵). در رابطه با داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بررسی صلاحیت‌های دیوان‌های داوری، بخصوص در دیوان داوری ایکسید، همواره یکی از مباحث اختلاف برانگیز در رویه‌های داوری بین‌المللی بوده است. دلیل اصلی چنین وضعیتی؛ عدم ارائه تعریفی مشخص از مفهوم «سرمایه‌گذاری» در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید است (Petsche, 2024: 44) که در عمل سبب اختلاف نظرهای متعدد در میان حقوقدانان (Viñuales and Waibel, 2021: 27) و همچنین اتخاذ دیدگاه‌های متفاوت از سوی دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی شده است. یکی از بحث برانگیزترین مباحث در این رابطه طرح دعوا از سوی افراد دوتابعیتی، در فرضی است که تابعیت سرمایه‌گذار با تابعیت دولت میزبان سرمایه مشابه است. در این خصوص در طول سالیان متمادی پرونده‌های مرتبط با اشخاص دوتابعیتی توجه فراوانی را به خود اختصاص داده است (Rajput, 2021: 40). به استثنای کنوانسیون ایکسید، به عنوان یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌ها در زمینه داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی، سایر مقررات داوری عموماً به مبحث تابعیت دوگانه یا مضاعف نپرداخته‌اند. به طور کلی ملاحظه رویه کلی داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی مؤید آن است، در مواردی که یک داوری تحت کنوانسیون ایکسید برگزار نمی‌شود، تابعیت دوگانه قاعدتاً به خودی خود منعی برای طرح ادعا

از سوی سرمایه گذاران ایجاد نمی کند؛ حتی اگر مدعی یا همان سرمایه گذار، تابعیت کشور میزبان سرمایه؛ به عنوان خواننده پرونده را نیز داشته باشد، مگر اینکه معاهده سرمایه گذاری مربوطه چنین منعی را مقرر نموده باشد و یا اینکه تابعیت غالب و مؤثر سرمایه گذار با تابعیت دولت میزبان سرمایه مشابه باشد. بنابراین ملاحظه رویه داور سرمایه گذاری بین المللی مؤید آن است که در برخی موارد، دادگاهها از رویکرد «تابعیت مؤثر» پیروی نموده اند و به سرمایه گذار اجازه داده اند در صورتی که تابعیت مؤثر آنها، از تابعیت کشور میزبان سرمایه متفاوت است، بتوانند ادعایی را علیه کشور میزبان سرمایه مطرح نمایند. البته برخی دیوان های داور نیز معاهدات سرمایه گذاری را به عنوان یک قانون خاص در نظر گرفته اند و معتقدند اگر مفاد معاهده قابل اجرا مانع طرح دعوی توسط یک تبعه دارای تابعیت مضاعف مشابه با کشور میزبان سرمایه نشود، دیوان داور نیز نباید بر اساس حقوق بین الملل عرفی، افراد دارای تابعیت دوگانه را از دامنه معاهده مذکور مستثنی نماید.¹

بر خلاف سایر مقررات داور، با این حال، کنوانسیون ایکسید در تبصره ۲ (الف) از ماده ۲۵ «تبعه یک کشور متعاهد دیگر» را به عنوان «هر شخص حقیقی که تابعیت یک کشور متعاهد غیر از کشور طرف اختلاف را داشته باشد» تعریف می نماید. بر این اساس سرمایه گذار باید یک معیار دو بخشی را برای طرح ادعا بگذراند، که شامل یک الزام مثبت (تبعه یک کشور متعاهد) و یک الزام منفی (شهرت نبودن دولت میزبان سرمایه) است؛ و از این جهت یک تبعه دوگانه که به طور همزمان تابعیت کشور میزبان سرمایه را دارد، مجاز به طرح دعوی بر علیه دولت میزبان سرمایه نخواهد بود.

علاوه بر این در برخی از داور های ایکسید حتی به این نتیجه نیز رسیده اند که این تابعیت مضاعف حتی زمانی که تابعیت خواهان پرونده در کشور میزبان سرمایه تابعیت غالب و مؤثر نمی باشد نیز باید مستثنی شود.² به طور کلی نظر به اهمیت مسئله طرح دعوا از سوی اشخاص دوتابعیتی دارای تابعیت مشابه با کشور میزبان سرمایه، و نقش مهم مفاد معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری در این خصوص، نویسندگان مطالب این پژوهش را در سه بخش تدوین نموده اند. در بخش اول پژوهش به بررسی وضعیت معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری در رابطه با اشخاص دارای تابعیت دوگانه پرداخته شده و در بخش دوم مقاله مواضع داور های خارج از ایکسید در رابطه با اشخاص دوتابعیتی تحلیل شده و در ادامه در بخش سوم مقاله موضع کنوانسیون ایکسید بررسی شده و در نهایت به تحلیل موضع اتباع دوگانه در رویه دیوان داور ایران و آمریکا پرداخته شده است.

در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق مبنی بر اینکه دیوان های داور سرمایه گذاری بین المللی در مواجهه با دعوی مطرح شده از سوی افراد دوتابعیتی؛ در فرض داشتن تابعیت واحد خواهان با دولت میزبان سرمایه چگونه عمل نموده اند، یافته های این تحقیق که با روش کتابخانه ای و با ابزار فیش برداری و با تحلیل رویه های داور انجام شده مؤید آن است که به غیر از دیوان داور ایکسید که نظر به ممنوعیت طرح چنین دعاوی دارند، سایر دیوان های داور در درجه اول به مفاد معاهده

¹ See, e.g., Serafin García Armas and Karina García Gruber v. Bolivarian Republic of Venezuela, PCA Case No. 2013-3, Decision on Jurisdiction, 15 December 2014, Paragraphs 158, 196, 199. Cf. Manuel García Armas et al. v. Bolivarian Republic of Venezuela, PCA Case No. 2016-08, Award on Jurisdiction, 13 December 2019 (finding that the tribunal did not have jurisdiction under the Spain–Venezuela BIT because of the claimant's dual nationality). See also Sergei Viktorovich Pugachev v. The Russian Federation, UNCITRAL, Award on Jurisdiction, 18 June 2020, Paragraphs 385–386.

² Champion Trading Company v. Arab Republic of Egypt, ICSID Case No. ARB/02/9, Decision on Jurisdiction, 21 October 2003, Paragraph 3.4.1.

دوجانبه سرمایه گذاری مربوطه توجه نموده اند و دیوان داوری ایران و آمریکا نیز در عمل معیار کنترل غالب و مؤثر را در نظر گرفته است.

۱ - وضعیت معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری در رابطه با اشخاص دارای تابعیت دوگانه

دولتها همواره تلاش می کنند بسترهای لازم برای جذب سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم خارجی را فراهم آورند که یکی از این تلاش ها انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری با کشورهای دیگر است (مافی و افشار ونگینی، ۱۴۰۱: ۱۶۱). در این خصوص معاهدات سرمایه گذاری دوجانبه (BIT³)، شرایط و ضوابط سرمایه گذاری های خصوصی انجام شده توسط افراد و نهادهای تجاری از یک کشور مستقل در یک کشور مستقل دیگر را تعیین می کنند. این معاهدات اغلب به عنوان بخشی از یک توافق تجاری بزرگتر، بین کشورهای متعاقد محسوب می شوند. معاهدات سرمایه گذاری دوجانبه به سرمایه گذاران یک کشور متعاقد تضمین های خاصی از جمله «رفتار منصفانه و عادلانه»⁴، محافظت در برابر سلب مالکیت و انتقال آزاد وجوه را اعطا می نمایند و از این جهت معاهدات مذکور در عمل با هدف حفاظت از سرمایه گذاری های انجام شده توسط سرمایه گذاران هر دو کشور متعاقد منعقد شده اند (Babu and Burra, 2018: 102) و در عمل مانع دخالت ناروا نسبت به حقوق سرمایه گذاران خارجی می شوند. لازم به ذکر است میزان محافظت های ارائه شده در معاهدات دوجانبه بستگی به شرایط معاهده مربوطه دارد (Mutsau, 2017: 1) و به طور کلی می توانند حقوق سرمایه گذار را تحت هر قرارداد سرمایه گذاری، ارتقاء دهند (Javagal, 2024: 1). معاهدات سرمایه گذاری دوجانبه مهمترین منبع حقوق سرمایه گذاری بین المللی معاصر هستند (Dolzer and Schreder, 2012: 13). مبحث کلیدی که در معاهدات سرمایه گذاری بسیار بحث برانگیز بوده و البته ممکن است در متن معاهدات مذکور به آن پرداخته شده باشد، چگونگی برخورد با افراد دارای تابعیت مضاعف از جمله دوتابعیتی ها است.

به طور کلی اصطلاح «تابعیت چندگانه»⁵، هر چند توسط بسیاری از نویسندگان در رابطه با اشخاص دارای تابعیت دوگانه نیز به طور مترادف (Klabbers, 2016: 103) یا مشابه استفاده شده (Osaghae and M Cooney, 2024: 13)؛ به طور خاص به معنای دارا بودن همزمان دو یا چند تابعیت توسط یک شخص است (Desmet and Vermeulen, 2019: 377) در حالی که اصطلاح تابعیت دوگانه⁶ یا مضاعف به طور اخص می توان گفت اشاره به دارا بودن تنها دوتابعیتی ها دارد. در این خصوص «تابعیت دوگانه یا مضاعف»⁷، یعنی شهروند دو کشور بودن، رایج ترین نوع تابعیت چندگانه است. در ماده ۲ (ب) کنوانسیون اروپایی تابعیت⁷، «تابعیت چندگانه» به عنوان «داشتن همزمان دو یا چند تابعیت توسط یک شخص» تعریف شده است (Desmet and Vermeulen, 2022: 269). لازم به ذکر است در دنیای بسیار جهانی شده امروز، یک سرمایه گذار ممکن است بیش از یک تابعیت داشته باشد؛ از جمله تابعیت هر دو کشور مبدأ و میزبان سرمایه؛ که این وضعیت می تواند حمایت از سرمایه گذاری و تعیین صلاحیت در داوری های سرمایه گذاری را پیچیده نماید. در چنین

3. Bilateral Investment Treaties (BITs)

4. "Fair and Equitable Treatment,"

5. "Multiple Nationality"

6. Dual Nationality

7. European Convention on Nationality

حالتی، پرسش کلیدی و بسیار بحث برانگیز این است که آیا سرمایه‌گذاری که تابعیت دوگانه هم کشوری که در آن سرمایه‌گذاری انجام شده و هم کشور مبدأ را دارد، می‌تواند بر علیه کشور میزبان سرمایه، مراحل داوری را آغاز نماید؟ (Koluman, 2020: 55-56).

در خصوص چگونگی موضع معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، هرچند بسیاری از آنها حاوی مقرراتی در خصوص چگونگی برخورد با اشخاص دارای تابعیت مضاعف هستند؛ با این وجود برخی دیگر موضع مشخصی در این رابطه اتخاذ نموده‌اند که در ادامه به تحلیل موقعیتهای مختلف خواهیم پرداخت.

۲ - تحلیل مفاد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری در دیوان‌های داوری غیر ایکسید

در رابطه با اینکه دیوان‌های داوری خارج از کنوانسیون ایکسید، در برخورد با افراد دوتابعیتی دارای تابعیت واحد با کشور میزبان سرمایه چگونه برخورد نموده‌اند، این مهم بستگی به مفاد معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه مربوطه و چگونگی تعیین حکم در خصوص افراد دوتابعیتی دارد. در ابتدا لازم به ذکر است هر دعوی که بر مبنای یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود، باید با ملاحظات معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری که همزمان دارای شرایط شکلی و حقوق ماهوی هستند، اقامه‌گردد؛ چرا که مفاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به عنوان قوانین حاکم بر حل و فصل اختلاف مورد توجه قرار می‌گیرند (ابریشی و ضمامی، ۱۳۹۷: ۹۰).

۲-۱ - وجود حکم صریح در حمایت از افراد دوتابعیتی

برخی از نویسندگان بر این اعتقادند که مشکلات مرتبط با احراز صلاحیت در رابطه با افراد دوتابعیتی، چالش برانگیز بوده است. در این خصوص برخی معاهدات سرمایه‌گذاری، به طور مشخص اشخاص دارای تابعیت کشور میزبان سرمایه را از دامنه اشخاصی که می‌توانند تحت حمایت معاهده مذکور قرار گیرند، مستثنی کرده‌اند. با این وجود در خصوص معاهداتی که در این خصوص سکوت نموده‌اند، این موضوع بحث برانگیز بوده که آیا معیار تابعیت مؤثر (غالب) باید اعمال شود یا اینکه همه اشخاصی که دارای تابعیت مشابه با کشور میزبان سرمایه هستند، باید از دامنه حمایتی معاهده دوجانبه مذکور مستثنی شوند؟ (Herdegen, 2024: 467).

در این خصوص به نظر می‌رسد در صورت وجود بند صریح در معاهدات سرمایه‌گذاری، در خصوص امکان استناد افراد دوتابعیتی به نهاد داوری در سرمایه‌گذاری بین‌المللی، دیوان‌های داوری غیر ایکسید غالباً تردید جدی (در صورت تحقق تابعیت غالب و مؤثر) در امکان استناد به نهاد داوری حتی از طرف شخص دارای تابعیت مضاعف واحد با کشور میزبان سرمایه ندارند. در این رابطه برخی از معاهدات سرمایه‌گذاری به صراحت چنین امکانی را در متن معاهده پیش‌بینی نموده‌اند. به طور مثال موافقت‌نامه جامع اقتصادی و تجاری اتحادیه اروپا و کانادا (CETA)⁸ نمونه‌ای است که افراد دارای تابعیت مضاعف را در محدوده معاهده مذکور حمایت نموده است. ماده ۸.۱ این معاهده مقرر می‌دارد: «شخص حقیقی که شهروند کانادا است و تابعیت یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا را دارد، منحصراً شخص حقیقی طرف تابعیت غالب و

8. EU-Canada Comprehensive Economic and Trade Agreement (CETA)

مؤثر خود تلقی می‌شود»^۹. البته طبق این معاهده، تابعیت غالب و مؤثر شخص حقیقی به منظور حمایت از شخص مذکور باید تعیین شود و چنانچه این تابعیت با تابعیت کشور میزبان سرمایه یکی باشد، بدیهی است که چنین شخصی نمی‌تواند از حمایت تحت معاهده مذکور بهره مند شود (Koluman, 2020: 56).

۲-۲- تصریح به عدم حمایت از افراد دوتابعیتی

برخلاف موردی که در یک معاهده سرمایه‌گذاری بحث حمایت از سرمایه‌گذاران دوتابعیتی ممکن است پیش بینی شده باشد، این امکان نیز وجود دارد که در برخی معاهدات، بر مستثنی کردن افراد دوتابعیتی دارای تابعیت مشابه با کشور میزبان سرمایه از دامنه حمایتی معاهده مذکور تأکید شده باشد. بدیهی است در چنین فرضی تبعه مذکور حق استناد به داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را نخواهد داشت. در این خصوص به طور مثال معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه ترکیه-کلمبیا^{۱۱} در مورد ترویج و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری‌ها مصوب ۲۰۱۴ (Bjorklund, 2016: 62) در ماده ۱(۵) بیان نموده: «این توافقنامه در مورد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط اشخاص حقیقی که تبعه هر دو طرف متعاقد هستند، اعمال نخواهد شد». معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه رومانی-کانادا^{۱۲} نیز اتباع دوگانه را از حمایت ماده ۱(g)(i) مستثنی نموده و اعلام می‌نماید: «سرمایه‌گذار، در مورد رومانی، هر شخص حقیقی است که طبق قانون رومانی شهروند آن محسوب می‌شود و تابعیت کانادا را نداشته باشد». در معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه موریس-مصر^{۱۳} نیز وضعیت مشابهی وجود دارد چرا که در ماده ۱(۳)(a) این معاهده آمده است که «شخص حقیقی تابعیت خود را به موجب قوانین یکی از طرفین متعاقد کسب می‌کند و همزمان تبعه طرف متعاقد دیگر نیست»، بنابراین این معاهده در مورد تبعه یک کشور که همزمان تبعه کشور متعاقد دیگر است؛ قابلیت اجرایی ندارد (Koluman, 2020: 56).

۲-۳- عدم حکم صریح در معاهده دوجانبه در مورد اتباع دوگانه

در رابطه با معاهدات سرمایه‌گذاری، استدلال‌ها در رابطه با اینکه چگونه به افراد دارای دوتابعیتی اجازه داده می‌شود تا از کشور خود شکایت کنند، قاعدتا بر این مبنای ساده استوار شده که هیچ مقرراتی در معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه وجود ندارد که آنها را از انجام این کار منع نموده باشد. در این رابطه مناسب است که به هدف کشورها از امضای یک توافق‌نامه سرمایه‌گذاری با سایر کشورها توجه داشته باشیم. به طور کلی، هدف از معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، نشان دادن تمایل طرفین معاهده به افزایش همکاری اقتصادی؛ تحریک رشد اقتصادی؛ (Paul et al, 2011: 126) و همچنین ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه‌گذاران خارجی است (Artamonova, 2025: 9). در این رابطه بنابراین معاهدات مذکور جذب سرمایه‌گذاران از

9. "A natural person who is a citizen of Canada and has the nationality of one of the Member States of the European Union is deemed to be exclusively a natural person of the party of his or her own dominant and effective nationality."

10. Additionally, Article 8.1. states that: "A natural person who has the nationality of one of the Member States of the European Union or is a citizen of Canada, and is also a permanent resident of the other Party, is deemed to be exclusively a natural person of the Party of his or her nationality or citizenship, as applicable."

11. BIT between the Republic of Colombia and the Republic of Turkey. Available at <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/3249/download>.

12. BIT between the Canada and Romania. Available at <https://investmentpolicy.unctad.org/internationalinvestment-agreements/treaty-files/4905/download>.

13. BIT between the Republic of Mauritius and the Arab Republic of Egypt. Available at <https://investmentpolicy.unctad.org/international-investment-agreements/treaty-files/3285/download>.

طریق ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه‌گذاری، افزایش همکاری اقتصادی بین کشورها، تضمین حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش جریان سرمایه و انتقال فناوری، ورود به بازارهای جدید، محافظت از سرمایه‌گذار خارجی در برابر تغییرات در قوانین ملی و همچنین محافظت از سلب مالکیت، سلب مالکیت پنهان یا رفتارهای ناعادلانه همانند ملی کردن سرمایه‌گذاری‌های را مدنظر قرار می‌دهند (Koluman, 2020: 58). علاوه بر این معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به «ایجاد و حفظ شرایط مطلوب»^{۱۴} کمک خواهد کرد (Brown, 2013: 198).

به طور کلی برای تفسیر هدف معاهدات، باید از قواعد تفسیر کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات پیروی کرد که مقرر می‌دارد یک معاهده باید با توجه به موضوع و هدف آن که معمولاً در مقدمه آن بیان می‌شود، تفسیر شود.^{۱۵} بنابراین، معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه با هدف تشویق و ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی (Collins, 2025: 169)؛ و در جهت جلوگیری از دخالت دادگاه‌های ملی در روند حل اختلافات سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلافات بین طرفین را از طریق داوری در نظر می‌گیرند.

این معاهدات در واقع در حال تنظیم روابط مرتبط با سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌های خارجی هستند. بنابراین، با توجه به هدف این معاهدات، دولت‌ها به طور متعارف هنگام مذاکره و انعقاد یک معاهده هرگز به درخواست داوری برای اتباع خود علیه خودشان رضایت نمی‌دهند.

بنابراین، اگر پذیرفته شود که دیوان‌های داوری باید قاعده عرفی تابعیت مؤثر را اعمال کنند و صلاحیت قضایی خود را در این زمینه حفظ نمایند، در صورتی که سرمایه‌گذار ارتباط قوی تری با کشور خود (کشور میزبان سرمایه) داشته باشد، تفسیری گسترده از رضایت دولت در این زمینه لازم است که معمولاً با نیت طرفین معاهده سرمایه‌گذاری در تضاد است (Koluman, 2020: 58).

۳- تحلیل موضوع در رویه داوری

موضوع مسکوت ماندن یا «فقدان مقررات در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری» در رویه قضایی، در پرونده‌های متعدد مورد بحث قرار گرفته است. در این خصوص ممکن است هیچ مقرره‌ای در خصوص چگونگی واکنش دولت به درخواست‌های یک سرمایه‌گذار خارجی در رابطه با نقض یک معاهده سرمایه‌گذاری، پیش‌بینی نشده باشد^{۱۶} که البته این عدم تعیین حکم مورد توجه دیوان‌های مختلف داوری نیز قرار گرفته شده است^{۱۷} (Tropper and Reinisch, 2023: 2-3) در این رابطه به طور

¹⁴'create and maintain favorable conditions'.

¹⁵ . a Convention on the Law of Treaties. Available at https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/1_1_1969.pdf.

16. See, e.g., PSEG Global, Inc., The North American Coal Corporation, and Konya Ingin Elektrik Üretim ve Ticaret Limited Sirketi v. Republic of Turkey, ICSID Case No. ARB/02/5, Award, 19 January 2007, para. 246; Serafin Garcia Armas and Karina Garcia Gruber v. Bolivarian Republic of Venezuela, PCA Case No. 2013-03, Final Award, 26 April 2019, paras. 291, 347, 348; Antonio Del Valle Ruiz and Others v. Kingdom of Spain, PCA Case No. 2019-17, Final Award, 13 March 2023, paras. 564- 571.

17 . See, e.g., Sempra Energy International v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Decision on Objections to Jurisdiction, 11 May 2005, para. 136; Abaclat and others (formerly Giovanna A. Beccara and others) v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/07/5, Decision on Jurisdiction and Admissibility, 4 August 2011, paras. 517-520; Churchill Mining Plc. and Planet Mining Pty Ltd. v. Republic of Indonesia, ICSID Case No. ARB/12/40 and 12/14, Decision on Annulment, 18 Mar 2019, para. 239; Raimundo J. Santamarta Devis v. Bolivarian Republic of Venezuela, PCA Case No. 2020-56,

مثال در پرونده *Serafin and Karina García v. Venezuela*^{۱۸}، دیوان داوری رسیدگی کننده ملاحظه نمود که معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری اسپانیا و ونزوئلا، در مورد وضعیت افراد دارای تابعیت دوگانه ساکت است، و از این جهت به منظور تعیین اینکه آیا مدعیان دارای تابعیت دوگانه، حق طرح دعوی علیه ونزوئلا را طبق این معاهده دارند یا خیر، تجزیه و تحلیل هایی را ارائه نمود. در این پرونده در واقع صرفاً یک تعریف استاندارد، از مفهوم سرمایه‌گذار در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری مربوطه ارائه شده بود و هیچ توضیحی در رابطه با وضعیت اشخاص دوتابعیتی داده نشده بود (Rust, et al, 2023: 272).

گاریس آرماس دارای دو تابعیت اسپانیایی - ونزوئلایی بود و به همین دلیل ونزوئلا وی را واجد اهلیت برای اقامه دعوی نزد دیوان دائمی داوری نمی دانست (برزگرزاده^{۱۹}، ۱۴۰۱: ۵۶-۵۵). در این پرونده دولت ونزوئلا به عنوان خوانده پرونده استدلال نمود که تعریف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذار، متضمن «شخص حقیقی دارای تابعیت یکی از طرف‌های متعاقد است که در دولت طرف متعاقد دیگر سرمایه‌گذاری می‌نماید»، و از این جهت این معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، افراد حقیقی دارای تابعیت هر دو طرف متعاقد (تابعیت مضاعف) را مستثنی کرده اند. ونزوئلا همچنین استدلال کرد که اجازه دادن به افراد دارای تابعیت دوگانه برای طرح دعوی علیه دولت خودشان، مغایر با هدف و منظور معاهده سرمایه‌گذاری است، زیرا قواعد قابل اجرا در حقوق بین‌الملل مانع از پذیرش دعاوی مطرح شده توسط اشخاص حقیقی دارای تابعیت دوگانه می‌شود، به خصوص اگر تابعیت دولت خوانده، تابعیت غالب یا مؤثر خواهان پرونده باشد.

خواهان پرونده در مقابل به رویه معاهده‌ای ونزوئلا اشاره نمود و بیان کردند سایر معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه که ونزوئلا با سایر کشورها مانند ایتالیا، کانادا و ایران منعقد نموده، مقرراتی در مورد تابعیت دوگانه دارند. بنابراین سوابق مربوطه نشان می‌دهد هنگامی که طرف‌های معاهده به دنبال حذف دو تابعیتی‌ها بوده‌اند، این مهم را به صراحت انجام داده‌اند. خواهان‌ها همچنین استدلال نمودند که نه معاهده و نه قواعد قابل اجرا در حقوق بین‌الملل، شهروندان دوتابعیتی را از حمایت معاهده محروم نمی‌سازند.

دیوان داوری در نهایت به نفع خواهان‌ها تصمیم گرفت و اعلام نمود از آنجایی که معاهده دوجانبه اسپانیا و ونزوئلا وضعیت افراد دوتابعیتی را تنظیم نکرده، بنابراین عملاً هیچ محدودیتی برای حق رجوع آنها به داوری اعمال نخواهد شد، و از این جهت نمی‌توان تابعیتی را که به طور آزاد توسط یک دولت اعطا شده و توسط دولت دیگر پذیرفته شده، بی‌اثر کرد. دیوان داوری همچنین خاطر نشان کرد افراد دارای تابعیت دوگانه می‌توانند به عنوان سرمایه‌گذار تحت معاهده سرمایه‌گذاری دوجانبه اسپانیا-ونزوئلا واجد شرایط باشند، زیرا دیوان داوری تشخیص داده که قواعد عرفی تابعیت، در زمینه معاهده سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه قابل اجرا نیستند؛ و از این جهت استدلال دولت ونزوئلا در مورد استفاده از اصل تابعیت مؤثر و غالب برای اهداف تفسیر و اعمال معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری قابل قبول نیست (Koluman, 2020: 58-59).

Award on Jurisdiction Ratione Personae, 26 July 2023, paras. 369-371, 374, 377. See in detail the recent study on treaty silence, S. Batifort and A. Larkin, *The Meaning of Silence in Investment Treaties*, 38(2) ICSID Review – Foreign Investment Law Journal (2023) 322.

18. *Serafin García Armas and Karina García Gruber v. Bolivarian Republic of Venezuela*. PCA: Case No. 2013-3. Available at <https://www.italaw.com/cases/2869>.

۱۹. تأثیر سوءاستفاده از دادرسی و حق در رسیدگیهای مقدماتی و ماهوی ایکسید

در این خصوص دیوان داوری همچنین به منظور اجتناب از محرومیت دو تابعیتی تعیین شده توسط کنوانسیون ایکسید، در نظر گرفت که سرمایه گذاران ممکن است تصمیم بگیرند که ادعای خود را در دیوان داوری دیگری مطرح کنند؛ و البته این مهم در صورتی است که بر اساس مفاد معاهده سرمایه گذاری دوجانبه مربوطه مجاز به انجام این کار باشند. بنابراین در تلاشی موفق برای جلوگیری از محرومیت از تابعیت دوگانه که توسط کنوانسیون ایکسید تعیین شده، سرمایه گذاران در این پرونده با انتخاب مرجعی غیر از مرکز داوری ایکسید، خود را تحت شمول قواعد داوری آنسیترال قرار داده اند.²⁰

این رأی، سابقه مهمی در داوری معاهداتی ایجاد نمود، زیرا در عمل به افراد دارای تابعیت مضاعف این امکان را داد که در مواردی که هیچ مقرره‌ای در معاهده سرمایه گذاری دوجانبه در مورد اتباع دوگانه وجود ندارد، بتوانند علیه کشور متبوع خود به داوری مراجعه نمایند.

علاوه بر این در این پرونده دیوان داوری به این نتیجه رسید که قواعد داوری آنسیترال به عنوان مقررات مرتبط با مرجع داوری، سرمایه گذارانی را که تابعیت هر دو کشور متعاقد را دارند، از استناد به حمایت از معاهده سرمایه گذاری دوجانبه قابل اجرا علیه یکی از آن کشورها منع نمی‌کنند. از این جهت محرومیت از استناد به داوری بر مبنای تابعیت مضاعف که توسط ماده ۲۵(۲) کنوانسیون ایکسید وضع شده، در رویه‌های داوری غیر ایکسید قابل اجرا نیست (Harwood et al, 2015: 17).

۳-۱- تحلیل رویه داوری در پرونده های خارج از ایکسید

دیوان های داوری خارج از ایکسید رویکردهای متفاوتی را در برخورد با اشخاص دو تابعیتی پذیرفته اند که در ادامه به تحلیل آنها در رویه داوری سرمایه گذاری بین المللی خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- پرونده سرگنی پوگاجف بر علیه دولت روسیه

در این پرونده که در دیوان داوری آنسیترال رسیدگی شد، جریان رسیدگی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۵ توسط سرگنی پوگاجف، لیگارش روس، بر علیه دولت روسیه آغاز شد.²¹ آقای پوگاجف که علاوه بر روسیه تبعه فرانسه نیز بوده، طبق معاهده سرمایه گذاری دوجانبه فرانسه-روسیه، علیه روسیه اقامه دعوی کرد. او در درخواست داوری خود اظهار داشت از آنجا که «نه معاهده سرمایه گذاری دوجانبه فرانسه-روسیه و نه قواعد آنسیترال، مانع از طرح دعاوی افراد دارای تابعیت دوگانه علیه هر یک از طرف‌های متعاقد دولتی نمی‌شوند»، او حق دارد علیه روسیه اقامه دعوی کند (Garcia Olmedo, 2017: 22).

دولت روسیه به عنوان دولت خوانده پرونده چنین استدلال نمود که آقای پوگاجف همچنان تبعه روسیه است، زیرا او طبق قانون روسیه از تابعیت روسیه خود انصراف نداده است (و نمی‌توانسته است انصراف دهد)؛ و ثانیاً پیوندهای واقعی او²² و «تابعیت واقعی و مؤثر» او، همچنان روسیه است. در این پرونده در واقع طرفین در مورد اینکه آیا اتباع دوگانه از شمول معاهده دوجانبه سرمایه گذاری مستثنی هستند یا خیر و اینکه آیا خواهان در سال ۲۰۱۲ تابعیت روسی خود را ترک کرده

20. [Bilateral Investment Treaty, Spain-Venez., Nov. 2, 1995, 1996 U.N.T.S. 4 \(entered into force Sept. 10, 1997\)](#)

21. [Sergei Viktorovich Pugachev v. the Russian Federation, UNCITRAL, Notice of Arbitration, 21 September 2015.](#)

22. [Respondent's Reply on Jurisdiction, 19 December 2019, 104, citing the Second Expert Report of Professor Jault-Seseke, 8.](#)

است یا خیر، اختلاف نظر داشتند. دیوان داوری آنسیترال با بررسی دقیق اظهارات طرفین در این زمینه، به این نتیجه رسید که اتباع دارای تابعیت مضاعف از شمول معاهده دوجانبه سرمایه گذاری مربوطه مستثنی نیستند و در نتیجه دیوان داوری این مسئله ارزیابی نخواهد کرد که آیا خواهان به طور مؤثر تابعیت روسی خود را ترک کرده است یا خیر؛ یا اینکه آیا اساساً اصل تابعیت غالب و مؤثر در این پرونده اعمال خواهد شد.²³

۳-۱-۲ - پرونده ویکتور پی کاسادو علیه دولت شیلی

دیوان گارسیا آرماس اولین دیوانی بود که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای افراد دارای تابعیت مضاعف را پذیرفت. در این پرونده چگونگی تعیین ملیت خواهان نیز از اهمیت بالایی برخوردار بود (Tams and Schill, 2022: 5). در این پرونده سرمایه‌گذاری با ملیت شیلیایی و اسپانیایی، مجبور شد پس از عدم موفقیت در وصول مطالبات خود در دادگاه های شیلی (Rovine, 2013: 80) در دیوان داوری آنسیترال طرح دعوا نماید. در رابطه با این پرونده ادعای شگفت‌انگیز دیوان مبنی بر وجود صلاحیت، سهولت بالقوه قواعد داوری آنسیترال را در مقایسه با ایکسید را برجسته نمود، که البته هر دو این مراجع، توسط معاهده دوجانبه سرمایه گذاری اسپانیا-ونزوئلا، به عنوان مراجع داوری پیش‌بینی شده بودند.

لازم به ذکر است که هرچند تصمیم دیوان داوری در پرونده گارسیا آرماس می‌تواند به منزله چراغ سبزی برای افراد دارای تابعیت مضاعف یا همان دوتابعیتی‌ها تلقی شود، با این وجود این رویکرد می‌تواند مشکلات مهمی را در مورد مشروعیت و تفسیر امکان طرح دعوا توسط دوتابعیتی‌ها ایجاد نماید؛ چرا که از زمان اتخاذ این تصمیم، دعاوی متعددی توسط سرمایه‌گذاران دارای تابعیت مضاعف و همسان با کشور میزبان سرمایه‌گذاری علیه کشوری که تابعیت آن را دارند، مطرح شده که در عمل نگرانی‌هایی را در سوءاستفاده از سازوکارهای حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری ایجاد نموده است.²⁴ (Treves, 2017: 609).

۳-۱-۳ - پرونده بالانتین‌ها علیه جمهوری دومینیکن²⁵

در این پرونده که در دیوان داوری آنسیترال رسیدگی شد، شهروندان آمریکایی (بالانتین) ساکن ایالات متحده، تصمیم به توسعه یک پروژه مسکونی لوکس در جمهوری دومینیکن گرفته بودند. آنها متعاقباً به جمهوری دومینیکن نقل مکان کردند و به طور داوطلبانه تابعیت جمهوری دومینیکن را تحصیل نمودند و در نتیجه دوتابعیتی محسوب شدند (C. L. Lim et al, 2021: 309).

در این پرونده دیوان داوری در نهایت ادعای خواهان‌ها را نپذیرفت چرا که به این نتیجه رسید که تابعیت مؤثر خواهان‌ها جمهوری دومینیکن است (Ramić and Brodlija, 2025:136-137) و در واقع تابعیت غالب و مؤثر خواهان پرونده با

²³ . <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw170008.pdf>, p. 87.

²⁴ . Rawat v. The Republic of Mauritius, PCA Case No. 2016-20, Notice of Arbitration and Statement of Claim, (Nov. 9, 2015), <http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw4479.pdf> (filed by a French Mauritian dual national under the France-Mauritius Bilateral Investment Treaty);

²⁵ . Michael Ballantine and Lisa Ballantine v. Dominican Republic (Case No 2016-17).

تابعیت دولت میزبان سرمایه که همان جمهوری دومینکن است واحد بود و از این جهت دیوان داوری آنستیرال با اعمال قاعده مذکور حاضر به پذیرش صلاحیت خود برای رسیدگی به این پرونده نشد.

۳-۲ - قاعده کلی منع طرح دعوا از سوی دو تابعیتی ها تحت کنوانسیون ایکسید

دیوان داوری ایکسید به منظور حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتها با ویژگی قطعی بودن (غیرقابل تجدیدنظر)، تخصصی بودن و سرعت، تحت ساختار بانک جهانی در واشنگتن تشکیل شد (مشهدی زاده و قدرت نما شستری، ۱۴۰۲: ۱۰۹)؛ در میان سازمان های مختلف داوری در سطح بین المللی، به عنوان نهاد اصلی مدیریت اختلافات سرمایه گذاری بین المللی، یک مکانیسم قابل اعتماد و مؤثر برای حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین دولتهای متعاقد کنوانسیون و تبعه یک دولت متعاقد دیگر از طریق سازش و داوری محسوب می شود (عبداللهی و کریمی، ۱۴۰۳: ۱۵۰). رویه داوری ایکسید در حوزه های مختلف شکلی و ماهوی از اهمیت زیادی برخوردار است (ابراهیمی و سلطان زاده، ۱۳۹۳: ۷۷). کنوانسیون ایکسید در واقع با حساسیت ویژه ای مقررات مربوط به حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری میان کشورها با اتباع سایر کشورها را تنظیم نموده و در حد قابل توجهی موجبات برطرف شدن دغدغه های سرمایه گذاران خارجی را فراهم نموده است (کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲۶). در رابطه با طرح دعوا از سوی دو تابعیتی ها بر علیه کشور میزبان سرمایه، با توجه به حکم مندرج در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، کنوانسیون یک محدودیت مهم و صریح قضایی وضع نموده (Rubins et al, 2019: 321) که بر مبنای آن افراد دارای تابعیت مضاعف که تبعه کشور میزبان نیز هستند، نمی توانند به داوری ایکسید بر علیه کشور میزبان سرمایه استناد نمایند (Aust, 2010: 351).

بنابراین سرمایه گذاران مدعی دو تابعیتی، به طور سنتی از طرح دعوی علیه کشوری که یکی از تابعیت های آنها را دارند، هنگام تشکیل دیوان داوری تحت نظارت مرکز داوری ایکسید منع شده اند. در واقع، دیوان داوری ایکسید پیوسته دعاوی اقامه شده توسط افراد دارای تابعیت دوگانه علیه یکی از کشورهایی که تابعیت آنها را دارند با استناد به استثنای تابعیت دوگانه مندرج در ماده ۲۵(الف) کنوانسیون ایکسید رد کرده اند. در این رابطه به طور مثال به گفته دیوان داوری در پرونده Champion Trading علیه مصر: «طبق معنای متداول عبارات کنوانسیون (در ماده ۲۵(الف))، افراد دارای تابعیت دوگانه از استناد به حمایت تحت کنوانسیون علیه کشور میزبان سرمایه گذاری که تابعیت آن را دارند، مستثنی هستند»^{۲۷} (Alvarez et al, 2019: 168).

۳-۲-۱ - وجود تفاوت بین اشخاص حقیقی و حقوقی دارای تابعیت دوگانه

۲۶. مطابق حکم مندرج در این بند منظور از تبعه دولت متعاقد دیگر عبارت است از «هر شخص حقیقی که در تاریخ تراضی طرفین در ارجاع اختلاف به سازش یا داوری و یا در تاریخی که درخواست مربوطه بر طبق بند ۳ ماده ۲۸ یا بند ۳ ماده ۳۹ ثبت شده است، تابعیت کشور متعاقدی غیر از کشور طرف اختلاف را داشته باشد؛ ولی شامل شخصی که در هریک از دو تاریخ فوق تابعیت کشور متعاقد طرف اختلاف را داشته باشد، نخواهد بود».

27. "According to the ordinary meaning of the terms of the Convention (Article 25(2)(a)) dual nationals are excluded from invoking the protection under the Convention against the host country of the investment of which they are also a national."

28. Champion Trading Co., ICSID Case No. ARB/02/9, Decision on Jurisdiction, ¶ 3.4.1.

با توجه به نحوه نگارش ماده ۲۵(الف) کنوانسیون ایکسید به نظر می‌رسد که حکم محکومیت در ماده فوق صرفاً در رابطه با اشخاص حقیقی دارای تابعیت مشترک با کشور میزبان سرمایه است و این محدودیت شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود.

۳-۲-۱- ممنوعیت کنوانسیون ایکسید مرتبط با اشخاص حقیقی

همانطوریکه توضیح داده شد، کنوانسیون ایکسید حاوی یک قانون واضح و خاص در مورد افراد دارای تابعیت دوگانه است. در این خصوص ماده ۲۵(الف) کنوانسیون ایکسید صراحتاً اشخاص حقیقی را که تابعیت دولت میزبان را نیز دارند، از دامنه‌ی اعمال خود مستثنی می‌کند (Singh, 2016: 1)، مطابق این بند تبعه یک کشور متعهد دیگر، شخص حقیقی است که تابعیت یک کشور متعهد غیر از کشور طرف اختلاف را داشته باشد.

این ماده همچنین تصریح می‌کند که تبعه یک دولت متعهد دیگر، شامل هیچ فردی نمی‌شود که تابعیت دولت متعهد طرف اختلاف را داشته باشد. بنابراین عملاً مرکز ایکسید به صراحت به موضوع اتباع دوگانه می‌پردازد و تصریح می‌کند که تعریف سرمایه‌گذار شامل شخصی که تابعیت کشور متعهد طرف اختلاف را دارد، نمی‌شود. این ویژگی همچنین در گزارش مدیران اجرایی به شرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است: «باید توجه داشت که طبق بند (الف) ماده ۲۵ (۲) یک شخص حقیقی که تبعه کشور طرف اختلاف بوده است، حتی اگر همزمان تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، واجد شرایط حضور در دادرسی تحت نظارت مرکز نخواهد بود. این عدم صلاحیت مطلق است و حتی اگر کشور طرف اختلاف رضایت خود را اعلام کرده باشد، قابل رفع نیست».

۳-۲-۱-۲- عدم ممنوعیت کنوانسیون ایکسید در رابطه با اشخاص حقوقی

برخلاف حکم مقرر در رابطه با اشخاص حقیقی، کنوانسیون ایکسید شامل هیچ استثنایی برای اتباع دوتابعیتی به عنوان سهامداران شرکت‌های حقوقی نمی‌باشد. در این خصوص لازم به ذکر است که به دلایل مختلف همانند سایت‌های مالیاتی اشخاص حقوقی، بسیاری از شرکت‌ها در یک دولت ثبت شده‌اند، اما دفتر مرکزی آنها در دولت دیگر قرار دارد. کنوانسیون ایکسید در ماده ۲۵(الف) فقط محدودیت تابعیت دوگانه یا مضاعف را برای اشخاص حقیقی وضع کرده است. ماده ۲۵(ب) کنوانسیون هیچ مقرره‌ای در مورد تابعیت دوگانه اشخاص حقوقی ندارد و از این جهت با توجه به این وضعیت می‌توان نتیجه گرفت که کنوانسیون مانع از درخواست اشخاص حقوقی دارای تابعیت دوگانه برای داوری نمی‌شود. در این راستا، اگر همه تابعیت‌های این شرکت‌ها متعلق به کشورهای متعهد باشد، مرکز داوری ایکسید صلاحیت رسیدگی به موضوع اختلاف را خواهد داشت. در رابطه با اشخاص حقوقی باین وجود مشکل زمانی پیش می‌آید که یکی از تابعیت‌های شرکت، تابعیت کشور میزبان سرمایه باشد. البته از متن کنوانسیون ایکسید می‌توان فهمید که چنین وضعیتی مستقیماً صلاحیت مرکز را محدود نخواهد کرد. از این جهت یک دیوان داوری ممکن است پشت پرده و اهداف قانونی ثبت شرکت را بررسی کند تا مشخص کند که کنترل و مالکیت شرکت واقعاً در کدام کشور قرار دارد. در این خصوص برای تعیین تابعیت

^{۲۹} . در این بند کنوانسیون مقرر می‌دارد: «هر شخص حقوقی که در تاریخ تراضی طرفین درارجاع اختلاف به سازش یا داوری، تابعیت کشور متعهدی غیر از کشور طرف اختلاف را داشته باشد و هر شخص حقوقی که در آن تاریخ ارجاع اختلاف به سازش و یا داوری تابعیت کشور متعهد طرف اختلاف را داشته باشد، ولی به علت کنترل خارجی برآن، طرفین موافقت نموده‌اند که به منظور اهداف این کنوانسیون مثل یک تبعه کشور متعهد دیگر با آنها رفتار بشود».

شرکت دیوان های داوری باید از معیار تعیین کننده «محل ثبت» یا «مقر» شرکت استفاده کنند و بر این اساس کشوری که شرکت در آن کشور حضور نزدیک، اساسی و مؤثر دارد، می تواند به عنوان تابعیت آن کشور در نظر گرفته شود. پس از اعمال این معیار، تابعیت مؤثر تعیین شده، صلاحیت مرکز را مشخص خواهد کرد (Koluman, 2020 : 57-58).

۴- تحلیل موضع دیوان داوری ایران و آمریکا در خصوص دوتابعیتی ها

بیانیه های الجزایر، صلاحیت دیوان را برای رسیدگی، از جمله، به «ادعاهای اتباع» ایالات متحده علیه ایران و «ادعاهای اتباع» ایران علیه ایالات متحده، بدون هیچ اشاره ای به پرونده غیرعادی اتباع دوگانه ایران و ایالات متحده، پیش بینی می کنند. و با این حال، در میان نزدیک به ۳۳۰۰ و اندی تبعه ایالات متحده که در برابر دیوان داوری اقامه دعوی نمودند، بیش از صد نفر بودند که علاوه بر داشتن تابعیت ایالات متحده، تابعیت ایرانی نیز داشتند. آنها این وضعیت را یا به طور غیرارادی، یعنی با اجرای خودکار قوانین ایران و ایالات متحده، یا به طور داوطلبانه و از طریق تحصیل تابعیت مضاعف به دست آورده بودند (Mousavi and Aghahosseini, 2007: 111).

یکی از مواردی که تحت بیانیه ای الجزایر برای ثبت دعوی اتباع هر کدام از دولتها علیه دولت دیگر در نظر گرفته شده و البته بحث برانگیز بوده؛ در ارتباط با ادعاهای مرتبط با افراد دوتابعیتی بوده است. در این خصوص در مهلت هایی که طبق توافق طرفین، بر مبنای بیانیه های الجزایر برای ثبت دعوی اتباع ایالات متحده علیه ایران و دعوی اتباع ایران علیه ایالات متحده در نظر گرفته شده بود، تعداد قابل توجهی از اتباع ایران که حسب ادعای شان، تابعیت ایالات متحده را نیز داشتند، با استناد به تابعیت ایالات متحده خود، به طرح دعوی علیه دولت ایران اقدام نمودند. در مقام ایراد به صلاحیت دیوان داوری مذکور، دولت ایران با طرح این ادعا که بیانیه های الجزایر، اقامه دعوی در دیوان داوری توسط اتباع یک کشور علیه کشور متبوع خود را تجویز نمی کنند، به صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعوی مزبور اعتراض کرد و در تاریخ ۶ اسفند، ۱۳۶۱ به استناد بند ۴ ماده ۶ بیانیه حل و فصل دعوی که ناظر بر صلاحیت تفسیری دیوان است، از هیئت عمومی درخواست کرد تا با تفسیر بند ۱ ماده ۲ و بند ۱ (الف) ماده ۳۰۷ بیانیه حل و فصل دعوی، عدم صلاحیت خود در رابطه با رسیدگی به دعوی مورد بحث را اعلام نماید^{۳۱}. (آقاحسینی، ۱۳۶۴ : ۵۵-۵۴).

در این خصوص در واقع از انجایی که عده زیادی از خواهان ها دارای تابعیت مضاعف ایران و آمریکا بودند. ایران درخواست نمود که هیأت عمومی دیوان تصمیم خود را در ارتباط با عدم پذیرش دعوی ثبت شده توسط اتباع ایران علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام دارد، و تا اعلام این تصمیم رسیدگیهای دعوی دارندگان تابعیت مضاعف در شعب دیوان متوقف گردد (انوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۰۰).

۳۰. «ماده ۲:

۱- بدین وسیله يك ديوان داوري بين المللی... به منظور رسیدگی به دعوی اتباع ایالات متحده علیه ایران و دعوی اتباع ایران علیه ایالات متحده... تشکیل می گردد...»

« ماده ۷: در ارتباط با مقاصد این موافقتنامه

۱-ك «تبعه» ایران یا ایالات متحده بر حسب مورد، عبارت است از

(الف): يك شخص طبیعی که يك شهروند ایران یا ایالات متحده باشد...»

۳۱. پرونده الف/۱۸ دیوان داوری، هیئت عمومی

با این وجود در عمل معیار تابعیت غالب و مؤثر در برخی از پرونده‌ها پذیرفته شد. در این رابطه به طور مثال در پرونده ۱۵۷ مربوط به طرح دعوا توسط ناصر اصفهانیان علیه بانک تجارت ایران، شعبه دوم دیوان داورای ایران و آمریکا، با پذیرش غلبه تابعیت امریکایی خواهان پرونده نسبت به تابعیت ایرانی او، صلاحیت خود را احراز و البته پس از انجام رسیدگی در ماهیت نیز خواهان را برای دریافت خسارت محق تشخیص داد. در پرونده شماره ۲۱۱ نیز عطاء الله گلپیرا علیه ایران شعبه مزبور صلاحیت خود را احراز ولی در ماهیت، خواهان را محکوم به بیحقی نمود. در پرونده دیگری نیز به شماره ۴۱۸ پردخت کهن هارونیان علیه ایران با توجه به اینکه فقط تابعیت خواهان پرونده، در طول دوره مربوطه، تابعیت ایران بوده است، دیوان داورای صلاحیت خود برای رسیدگی به پرونده را نپذیرفت و رأی به عدم صلاحیت داد (آقاحسینی، ۱۳۶۴ : ۵۵).

دیوان رسیدگی به دعاوی ایران و آمریکا (که به طور کامل در این خصوص تشکیل جلسه داد) بنابراین در نهایت به دکترین تابعیت غالب و مؤثر استناد کرد و در نهایت در پرونده شماره الف-۱۸ (تصمیم A/18) اعلام کرد که دیوان رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف ایرانی-آمریکایی علیه ایران «در صورتی که تابعیت غالب و مؤثر مدعی در دوره مربوطه ... تابعیت ایالات متحده باشد» صلاحیت رسیدگی دارد.^{۳۲} خاطر نشان می شود دیوان داورای در این خصوص با تکرار نظرات ارائه شده در پرونده نوته‌بوم و مرگه^{۳۳} (که در آن داوران بین‌المللی ترجیح خود را به تابعیت واقعی و مؤثر^{۳۴} داده‌اند) (N. Brower and D. Brueschke, 2023: 294)، اظهار داشت که «در تعیین تابعیت غالب و مؤثر، تمام عوامل مرتبط، از جمله محل سکونت دائمی خواهان، مرکز منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی اجتماعی و سایر شواهد مرتبط با وابستگی را در نظر خواهد گرفت»^{۳۵} (U. Kannof, 2011: 1390-1391). لازم به ذکر است در پرونده نوته‌بوم و مرگه که دیوان داورای ایران و آمریکا از آن تبعیت نمود، دیوان داورای مذکور اعلام داشت آقای نوته‌بوم «ارتباط واقعی^{۳۶} با دولت لیختن‌اشتاین نداشته (Kulick, 2024: 51) و از این جهت در عمل نمی تواند از حمایت حق حمایت دیپلماتیک از تبعه خود در برابر دولت گواتمالا^{۳۷} برخوردار شود» (J. Tams and Sloan, 2013: 98).

بنابراین همانطوریکه ملاحظه می شود با رد ادعای کشور ایران در خصوص فقدان صلاحیت از سوی اشخاص دارای تابعیت دوگانه، به صرف داشتن تابعیت مضاعف همسان با دولت ایران، دیوان داورای در عمل معیار تابعیت غالب و مؤثر پذیرفت.

۵- نتیجه گیری

هرچند معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری یکی از مهم ترین ابزارهای ایجاد و تسهیل شرایط سرمایه گذاری در میان کشورهای مختلف می باشد با این وجود دولتهای میزبان سرمایه همواره نگران امکان طرح دعوا توسط اشخاص دارای تابعیت مضاعف، در فرض تابعیت همسان با کشور میزبان سرمایه به عنوان خواننده پرونده هستند. در این خصوص هر چند کنوانسیون ایکسید

³² . [Iran–United States, Case No. A/18, 5 Iran–U.S. Cl. Trib. Rep. 251, 265 \(1984\).](#)

³³ . [Nottebohm and Mergé](#)

³⁴ . [real and effective nationality](#)

³⁵ . [Case No. A/18, at 5 Iran–U.S. Cl. Trib. Rep. at 265 \(1984\); see also Bederman, supra note 127, at 125; supra-Part II.A. For a longer list of specific factors considered by the individual chambers of the tribunal in subsequent cases, see BROWER & BRUESCHKE, supra note 129, at 34–35.](#)

³⁶ . ['Genuine Link'](#)

³⁷ . [Guatemala](#)

در پاسخ به این نگرانی هاو از آنجایی که هدف اصلی از انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری، تحصیل و تشویق سرمایه گذاری خارجی توسط اتباع دولت دیگر طرف معاهده است، در ماده ۲۵ این مقررات، نظر به ممنوعیت طرح دعوا از سوی افراد دارای تابعیت مضاعف همسان با کشور میزبان سرمایه داشته؛ با این وجود توجه به مفاد معاهدات سرمایه گذاری منعقد شده بین طرفین اختلاف و همچنین اعمال معیار تابعیت غالب و مؤثر در رویه های داوری سرمایه گذاری خارج از کنوانسیون ایکسید در عمل مهم ترین معیارها در پذیرش یا عدم پذیرش ادعاهای مطرح شده از سوی افراد دوتابعیتی بوده است. در این خصوص در فرضی که در متن معاهدات سرمایه گذاری بر امکان طرح دعوا از سوی اشخاص دارای تابعیت مضاعف تصریح شده و یا در فرض مسکوت بودن مفاد معاهده مذکور؛ در جایی که تابعیت غالب سرمایه گذار با تابعیت دولت میزبان سرمایه یکی نباشد، دیوان های داوری، همانند دیوان های داوری تشکیل شده تحت قواعد داوری آنستیتال، تأکید بر پذیرش دعوی از سوی افراد دوتابعیتی دارای تابعیت یکسان با کشور میزبان سرمایه دارند. در این خصوص با این وجود در رابطه با داوری های انجام شده تحت حاکمیت کنوانسیون ایکسید نظر به حکم صریح مندرج در ماده ۲۵(الف) این مقررات حتی در فرضی که تابعیت غالب خواهان با تابعیت کشور میزبان سرمایه متفاوت است، امکان طرح دعوا بر علیه کشور میزبان سرمایه وجود ندارد. در رابطه با اشخاص حقوقی با این وجود برخی بر این اعتقادند که کنوانسیون ایکسید شامل هیچ استثنایی برای اتباع دوتابعیتی به عنوان سهامداران شرکت های حقوقی نمی باشد، و از این جهت این عنصر تابعیت غالب و مؤثر است که در این زمینه تعیین کننده است. در این خصوص در فرضی که تابعیت مؤثر و غالب شخص حقوقی دوتابعیتی با دولت طرف معاهده یکسان است، می توان قائل به پذیرش چنین دعاوی از سوی مراجع داوری ایکسید شد.

دعاوی مطرح شده در دیوان داوری ایران و آمریکا، از جمله پرونده مشهور الف ۱۸ نیز مؤید آن است که در عمل دیوان داوری مذکور، در پرونده های مختلف، معیار تابعیت غالب و مؤثر را پذیرفته و از این جهت صرف داشتن تابعیت مضاعف همسان با کشور میزبان سرمایه (ایران) را مانع طرح دعوا در دیوان داوری مذکور ندانسته است.

منابع

الف) فارسی

ابراهیمی، سید نصراله، سلطان زاده، سجاد (۱۳۹۳). مفهوم سرمایه گذاری در رویه داوری مرکز حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری خارجی (ایکسید). مجله حقوقی بین المللی ۳۱(۵۰): ۷۷-۱۰۸.

ابریشمی، علی مقدم، ضمامی، حامد (۱۳۹۷). نقش دکترین خرق حجاب در تعیین تابعیت سرمایه گذار خارجی در رویه داوری ایکسید. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۱۶: ۱۱۳-۸۸.

انوری، مونا، قاسم زاده زاویه، سید مرتضی، ظاهری، علیرضا (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی وضعیت و پیامدهای مثبت و منفی تابعیت مضاعف در حقوق ایران، روسیه و کامن لا، ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۹)، صص ۳۷۹-۴۰۴.

آقاحسینی، محسن (۱۳۶۴). بررسی مواضع و نقطه نظرهای جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا در پرونده الف/۱۸ دیوان داوری دعوی ایران - ایالات متحده در مورد تابعیت مضاعف، مجله حقوقی بین المللی، ۴(۴): ۹۰-۵۱.

باغبان، رحیم، یکتا، حدیث (۱۴۰۰). معیارهای تشخیص قرارداد سرمایه گذاری در داوری سرمایه گذاری خارجی. دانشنامه حقوق اقتصادی ۲۸(۱۹): ۲۹۲-۳۱۷.

السان، مصطفی، تاجی، زریز نگیں (۱۴۰۲). چالش های داوری سرمایه گذاری خارجی با تاکید بر نظام حقوقی ایران، پژوهش های حقوقی ۲۲(۵۵): ۱۳۹-۱۱۵.

عبداللهی، محمد جواد، کریمی، محمد (۱۴۰۳). تحلیلی بر معیار «کمک به توسعه اقتصادی دولت میزبان» برای تحقق مفهوم قراردادهای سرمایه‌گذاری تحت کنوانسیون داوری ایکسید. دانشنامه حقوق اقتصادی ۳۱(۲۶): ۱۴۶-۱۶۱.

پیلوار، رحیم، ساری، محمدرضا (۱۴۰۳). اسباب تحقق شروط ناقص در داوری تجاری بین‌المللی و راههای مقابله با آنها با نگاهی به شرط داوری واپو، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی پژوهشکده حقوق و قانون ایران، ۱۱(۱): ۷۹-۱۰۹. doi: 10.22034/jpl.2024.718551

فتاحی بافقی، محمد امیر، محبی، محسن، بهمنی، محمد، زارع، علی (۱۴۰۰). قواعد ماهوی داوری‌های سرمایه‌گذاری خارجی در اتحادیه اروپا و معاهده لیسبون. مطالعات فقه اقتصادی ۳(۲): ۲۰۱-۲۱۸

قلعه شاخانی، سجاد (۱۴۰۱). جایگاه و وضعیت نهاد داوری در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری. مجله فقه و حقوق نوین ۳(۹): ۱۹۲-۱۶۷.

کاظمیان، پریسا، عبداللهی، محبوبه، عباسی نیا، سعید (۱۴۰۳). نقش کنوانسیون ایکسید در داوری و توسعه سرمایه‌گذاری اقتصادی. مطالعات فقه اقتصادی ۶(۱): ۱۲۱-۱۴۰.

مافی، همایون، افشار ونگینی، رحمان (۱۴۰۱). ایجاد دادگاه تجاری در راستای اصل سرعت در آیین دادرسی، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۴):

doi: 10.22034/law.2022.547910.1137. ۱۸۴-۱۶۰

مشهدی زاده، علیرضا، قدرت‌نمایشتری، امیرحسین (۱۴۰۲). انتساب مسئولیت به دولتها در رویه داوری ایکسید. مجله حقوقی بین‌المللی ۷۰: ۱۳۲-۱۰۸.

میرمحمدی، سیدمصطفی، خمیسی زاده، مهران (۱۳۹۹). اصلاح ساختار حل و فصل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار و امکان سنجی تاسیس دیوان دائمی سرمایه‌گذاری بین‌المللی. حقوق تطبیقی ۷(۱): ۳۲۲-۲۹۵.

ب) انگلیسی

Alvarez, G.M., Fouret, J., Gerbay, R. (2019). The ICSID Convention, Regulations and Rules A Practical Commentary, UK: Edward Elgar Publishing.

Artamonova, I. (2025). New Developments in International Investment Agreements as Regards Foreign Investors' Obligations In Search of a More Balanced Approach, Germany: Logos Verlag Berlin.

Aust, A. (2010). Handbook of International Law, USA: Cambridge University Press.

Babu, R.R., Burra. S. (2018). Locating India in the Contemporary International Legal Order, India: Springer India.

Bjorklund, A.K. (2016). Yearbook on International Investment Law and Policy 2014-2015, USA: Oxford University Press.

Brown, C. (2013). Commentaries on Selected Model Investment Treaties, United Kingdom: OUP Oxford.

C. L. Lim, Ho, Jean, Paparinskis, Martins (2021), International Investment Law and Arbitration Commentary, Awards and Other Materials, USA: Cambridge University Press.

Collins, D. (2025). Foundations of International Economic Law Second Edition, UK: Edward Elgar Publishing.

Desmet, E, Vermeulen, G (2019), Essential Texts on European and International Asylum and Migration Law and Policy (2nd revised edition), Netherlands: Gompel & Svacina.

Desmet, E., Vermeulen, G. (2022). Essential Texts on European and International Asylum and Migration Law, Netherlands: Gompel & Svacina.

Dolzer, R., Schreder, C. (2012). Principles of International I Investment Law, Second Edition.

Garcia Olmedo, J. (2017). Claims by Dual Nationals Under Investment Treaties: Are Investors Entitled to Sue Their Own States?, Forthcoming, The Journal of International Dispute Settlement, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3043229>, pp. 1-42.

Harwood, M., Batifort, S., Trahanas, C. (2015). Investment Arbitration: Jurisdiction and Procedure, The International Arbitration Review 1 (James H. Carter ed., Law Business Research), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3047865>, pp. 1-24.

- Herdegen, M. (2024). *Principles of International Economic Law*, 3e, United Kingdom: OUP Oxford.
- J. Tams, C, Sloan, J. (2013). *The Development of International Law by the International Court of Justice*, United Kingdom: OUP Oxford.
- Javagal, S. (2024). *Bilateral investment treaties: fostering international investment while preserving national sovereignty*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4859596> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4859596>, pp. 1-8.
- U. Kannof, A. (2011). *Dueling Nationalities: Dual Citizenship, Dominant & Effective Nationality, and the Case of Anwar Al-Aulaqi*, *Emory International Law Review*, Vol. 25, No. 3, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1940114>, PP. 1371-1430.
- Koluman, E. (2020). *The Nationality of the Investor in International Investment Arbitration and the Dual Nationality Problem*, https://acta.bibl.u-szeged.hu/72785/1/forum_doctorandorum_2020_039-062.pdf, pp. 39-62.
- Klabbers, J. (2016). *International Law Documents*, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Kulick, Andreas (2024), *General International Law in International Investment Law A Commentary*, United Kingdom: OUP Oxford.
- Mousavi, Z, Agha Hosseini, M. (2007). *The Burden and Standard of Proof in the Case Law of the Iran-United States Claims Tribunal*, *The Global Community*, Vol. 1, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2226971>, pp. 105-124.
- Mutsau, S. (2017). *Revisiting Bilateral Investment Treaties in the 21st Century. A Kenyan and South African Experience*, Hamburg: Anchor Academic Publishing.
- N. Brower, C, D. Brueschke, J. (2023). *The Iran-United States Claims Tribunal*, Netherlands: Brill.
- Osaghae, Osa-godwin, M Cooney, Thomas. (2024). *From Immigrant to Transnational Diaspora Entrepreneur: The Roles of Enclaves In Their Entrepreneurial Journey*, USA: World Scientific Publishing Company.
- Paul, N., Segger, M.C.C., Gehring, M.W. (2011). *Sustainable Development in World Investment Law*, Netherland: Kluwer Law International.
- Petsche, M. (2024). *The Concept of Investment in ICSID Arbitration*, Oxford University Press.
- Rajput, A. (2021). *Handbook on Investment Arbitration in India*, India: Centre for Arbitration and Research, Maharashtra National Law University Mumbai.
- Ramić, A, Brodlija, F. (2025). *International Investment Law and Dispute Resolution in the Western Balkans Regional Prospects for a European Future*, Netherlands: Brill.
- Rovine, A.W. (2013). *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation: The Fordham Papers (2012)*, Netherlands: Brill.
- Rubins, N. D., Nektarios Papanastasiou, T., & Kinsella, N. S. (2020). *International Investment, Political Risk, and Dispute Resolution A Practitioner's Guide*, USA: Oxford University Press.
- Rust, A., Kofler, G., Pantazatou, K., Lyons, T., C. Haslehner, W. (2023). *Alternative Dispute Resolution and Tax Disputes*, USA: Edward Elgar Publishing Limited.
- Singh, K., and Ilge, B. (2016). *Rethinking Bilateral Investment Treaties Critical Issues and Policy Choices*, Netherlands: Both ends.
- Sornarajah, M. (2017). *The International Law on Foreign Investment (4th ed.)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tams, C.J., and Schill, S.W. (2022). *International Investment Protection and Constitutional Law*, UK: Edward Elgar Publishing Limited.
- Treves, E.P. (2017). *Investment Treaty Arbitration: Treves, E. P. (2016). Investment Treaty Arbitration: Dual Nationals Are Now Welcome: A Way out of ICSID's Dual Nationality Exclusion*. *NYUJ Int'l L. & Pol.*, 49, 607.
- Tropper, J., Reinisch, A. (2022). *State Silence and International Investment Law. State Silence across International Law (OUP, 2025, Forthcoming)*. SSRN: <https://ssrn.com/abstract=5207884> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5207884>, PP. 1-53.
- Viñuales, J., Waibel, M. (2021). *ICSID Reports: Volume 19*, United Kingdom: Cambridge University Press.

Zamani, h, Abrishami, A. (2019). The Role of Piercing the Corporate Veil doctrine in determination of foreign investor's nationality in ICSID Arbitration Procedure, *Public Law Research*, Volume 20, Issue 61, pp. 93-120. [in Persian].

References

Abdollahi, M. J, Karimi, M. (2025). An analysis on the criterion "Assistance to the economic development of the host state" for realizing the concept of investment contracts under the ICSID Arbitration Convention, Volume 31, Issue 26, pp.146-161 [in Persian].

Agha Hosseini, M. (1985). A study of the positions and viewpoints of the Islamic Republic of Iran and the US government in Case A/18 of the Iran-US Arbitration Tribunal on Dual Citizenship, *International Legal Journal*, 4 (4), pp.51-90 [in Persian].

Alvarez, G.M., Fouret, J., Gerbay, R. (2019). *The ICSID Convention, Regulations and Rules A Practical Commentary*, UK: Edward Elgar Publishing.

Artamonova, I. (2025). *New Developments in International Investment Agreements as Regards Foreign Investors' Obligations In Search of a More Balanced Approach*, Germany: Logos Verlag Berlin.

Anvari, M, Ghasemzadeh, S.M, zaheri, A. (2022), A comparative study of the status and positive and negative consequences of dual citizenship in Iranian, Russian and common law, *Political Sociology*, Volume 5, Issue 9, pp.379-404.[in Persian].

Aust, A. (2010). *Handbook of International Law*, USA: Cambridge University Press.

Babu, R.R., Burra. S. (2018). *Locating India in the Contemporary International Legal Order*, India: Springer India.

Baghban, R, Yekta, H. (2022). Criteria for determining the investment contract in foreign investment arbitration, *Encyclopedia of Economic Law Journal*, Volume 28, Issue, pp. 292-317 (in Persian).

Bafghi, F, Amir, M, Mohsen, M, Bahmani, M, Zare, A. (2021). Substantive Rules of Foreign Investment Arbitrations in the European Union and the Lisbon Treaty. *Economic Jurisprudence Studies* 3(2): PP. 201-218.[in Persian].

Bjorklund, A.K. (2016). *Yearbook on International Investment Law and Policy 2014-2015*, USA: Oxford University Press.

Brown, C. (2013). *Commentaries on Selected Model Investment Treaties*, United Kingdom: OUP Oxford.

C. L. Lim, Ho, Jean, Paparinskis, Martins (2021), *International Investment Law and Arbitration Commentary, Awards and Other Materials*, USA: Cambridge University Press.

Collins, D. (2025). *Foundations of International Economic Law Second Edition*, UK: Edward Elgar Publishing.

Desmet, E, Vermeulen, G (2019), *Essential Texts on European and International Asylum and Migration Law and Policy* (2nd revised edition), Netherlands: Gompel & Svacina.

Desmet, E., Vermeulen, G. (2022). *Essential Texts on European and International Asylum and Migration Law*, Netherlands: Gompel & Svacina.

Dolzer, R., Schreder, C. (2012). *Principles of International I Investment Law*, Second Edition.

Ebrahimi, Seyed Nasrollah, Soltanzadeh, S. (2014). The Concept of Investment in Arbitration Precedent of the International Center for Settlement of Investment Disputes (ICSID), *International Law Review*, Volume 31, Issue 50 Spring 2014 Pages 77-108. [in Persian].

Elsan, M, Negintaji, Z (2023). Challenges of Foreign Investment Arbitration with Emphasis on The Iranian Legal System, *Legal Reserch*, Volume 22, Issue 55, pp.115-139. [in Persian].

Garcia Olmedo, J. (2017). Claims by Dual Nationals Under Investment Treaties: Are Investors Entitled to Sue Their Own States?, Forthcoming, *The Journal of International Dispute Settlement* , Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3043229>, pp. 1-42.

- Harwood, M., Batifort, S., Trahanas, C. (2015). Investment Arbitration: Jurisdiction and Procedure, *The International Arbitration Review* 1 (James H. Carter ed., Law Business Research), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3047865>, pp. 1-24.
- Herdegen, M. (2024). *Principles of International Economic Law*, 3e, United Kingdom: OUP Oxford.
- J. Tams, C, Sloan, J. (2013). *The Development of International Law by the International Court of Justice*, United Kingdom: OUP Oxford.
- Javagal, S. (2024). Bilateral investment treaties: fostering international investment while preserving national sovereignty, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4859596> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4859596>, pp. 1-8.
- U. Kannof, A. (2011). Dueling Nationalities: Dual Citizenship, Dominant & Effective Nationality, and the Case of Anwar Al-Aulaqi, *Emory International Law Review*, Vol. 25, No. 3, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1940114>, PP. 1371-1430.
- Kazemianzadeh, P, Abdolahi, M, Abbasni, S (2023). The Role of the ICSID Convention in the Arbitration and Development of Economic Investment, *Economic Jurisprudence Studies*, Orchid Code: 0000-0003-2106-5797, PP.121-140 [in Persian].
- Koluman, E. (2020). The Nationality of the Investor in International Investment Arbitration and the Dual Nationality Problem, https://acta.bibl.u-szeged.hu/72785/1/forum_doctorandorum_2020_039-062.pdf, pp. 39-62.
- Klabbers, J. (2016). *International Law Documents*, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Kulick, Andreas (2024), *General International Law in International Investment Law A Commentary*, United Kingdom: OUP Oxford.
- Pilvar,R, Sari, M. (2024), Causes of pathological clauses in international commercial arbitration and ways to deal with them by looking at WIPO arbitration clause, *Journal of Research and Development in Private Law Iranian Law and Legal Research Institute*, 1(1), pp. 79-109 doi: 10.22034/jpl.2024.718551 [in Persian].
- Mashhadizadeh, A, Ghodratnama Shabestari, A.H, (2023), Assigning Responsibility to States in the ICSID Arbitration Procedure, *International Law Review*, Volume 40, Issue 70, Serial Number 7, PP. 107-132 [in Persian].
- Mafi, H, Afshar Vangini, R. (2022). Establishment of Commercial Courts in line with the Principle of Speed in Court Proceedings, *Research and development in comparative law*, 5(14), PP.160-184. doi: 10.22034/law.2022.547910.113 [in Persian].
- Mir Mohammadi, S.M., Khamisizadeh, M (2020). Reform in the Structure of the Investor- State Dispute Settlement and Feasibility Study on the Establishment of the International Investment Permanent Court, *Comparative Law*, Volume 7, Issue 1, Serial Number 13 , Issue 13, PP.295-322.[in Persian].
- Mousavi, Z, Agha Hosseini, M. (2007).The Burden and Standard of Proof in the Case Law of the Iran-United States Claims Tribunal, *The Global Community*, Vol. 1, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2226971>, pp. 105-124.
- Mutsau, S. (2017). *Revisiting Bilateral Investment Treaties in the 21st Century. A Kenyan and South African Experience*, Hamburg: Anchor Academic Publishing.
- N. Brower, C, D. Brueschke, J. (2023). *The Iran-United States Claims Tribunal*, Netherlands: Brill.
- Osaghae, Osa-godwin, M Cooney, Thomas. (2024). *From Immigrant to Transnational Diaspora Entrepreneur: The Roles of Enclaves In Their Entrepreneurial Journey*, USA: World Scientific Publishing Company.
- Paul, N., Segger, M.C.C., Gehring, M.W. (2011). *Sustainable Development in World Investment Law*, Netherland: Kluwer Law International.
- Petsche, M. (2024). *The Concept of Investment in ICSID Arbitration*, Oxford University Press.
- Rajput, A. (2021). *Handbook on Investment Arbitration in India*, India: Centre for Arbitration and Research, Maharashtra National Law University Mumbai.
- Ramić, A, Brodlija, F. (2025). *International Investment Law and Dispute Resolution in the Western Balkans Regional Prospects for a European Future*, Netherlands: Brill.

- Rovine, A.W. (2013). *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation: The Fordham Papers (2012)*, Netherlands: Brill.
- Rubins, N. D., Nektarios Papanastasiou, T., & Kinsella, N. S. (2020). *International Investment, Political Risk, and Dispute Resolution A Practitioner's Guide*, USA: Oxford University Press.
- Rust, A., Kofler, G., Pantazatou, K., Lyons, T., C. Haslehner, W. (2023). *Alternative Dispute Resolution and Tax Disputes*, USA: Edward Elgar Publishing Limited.
- Singh, K., and Ilge, B. (2016). *Rethinking Bilateral Investment Treaties Critical Issues and Policy Choices*, Netherlands: Both ends.
- Shakhani Castle, S. (2022). The position and status of the arbitral tribunal in resolving investment disputes, *Modern Jurisprudence and Law*, Volume 3, Issue 9, Serial Number 9, pp. 192-167 [in Persian].
- Sornarajah, M. (2017). *The International Law on Foreign Investment (4th ed.)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tams, C.J., and Schill, S.W. (2022). *International Investment Protection and Constitutional Law*, UK: Edward Elgar Publishing Limited.
- Treves, E.P. (2017). *Investment Treaty Arbitration: Treves, E. P. (2016). Investment Treaty Arbitration: Dual Nationals Are Now Welcome: A Way out of ICSID's Dual Nationality Exclusion*. *NYUJ Int'l L. & Pol.*, 49, 607.
- Tropper, J., Reinisch, A. (2022). *State Silence and International Investment Law. State Silence across International Law (OUP, 2025, Forthcoming)*. SSRN: <https://ssrn.com/abstract=5207884> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5207884>, PP. 1-53.
- Viñuales, J., Waibel, M. (2021). *ICSID Reports: Volume 19*, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Zamani, h, Abrishami, A. (2019). The Role of Piercing the Corporate Veil doctrine in determination of foreign investor's nationality in ICSID Arbitration Procedure, *Public Law Research*, Volume 20, Issue 61, pp. 93-120. [in Persian].

پذیرفته نشده | دست‌نخورده | دست‌نخورده | دست‌نخورده | دست‌نخورده
Accepted | Awaiting Publication | Early View | Not Copy Righted
ویراستاری نشده | ویراستاری نشده | ویراستاری نشده | ویراستاری نشده | ویراستاری نشده